

وجوب حجاب حکمی فردی با آثار اجتماعی

معصومه ایمنی^۱ محمدکاظم رحمان ستایش^۲

چکیده

احکام شرعی در یک تقسیم بندی کلی به احکام فردی و اجتماعی دسته بندی می شود. از این رو در مورد احکام شرعی مثل حجاب، این سؤال که حکم وجوب حجاب مانند وجوب نماز و روزه، فردی است یا مثل وجوب حج، خمس و زکات در شمار احکام اجتماعی است، مطرح است. یافتن پاسخ این سؤال، مسئله اجباری بودن حجاب را از منظری جدید به چالش می کشد. پژوهش حاضر با هدف تبیین رفع چالش های موجود در مسئله حجاب به روش تحلیل آرای موافق و مخالف انجام شد. بدین منظور منابع مربوطه اعم از مقالات و کتب در بازه زمانی ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۷ مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. با بررسی های انجام شده، پژوهشی که موضوع مطالعه حاضر در آن بررسی شده باشد، یافت نشد. نتایج و یافته های پژوهش حاضر نشان داد که حجاب و حکم فقهی آن حقیقتی فردی با آثار غیر قابل انکار اجتماعی است. از این رو، در فرض آسیب های اجتماعی مترتب بر آن، حاکمیت می تواند مثل یک حکم ثانوی برطبق قاعده «الضروره تتقدر بقدرها» و نیز «الضرورات تبیح المحظورات»، آحاد جامعه را به رعایت پوشش مطلوب شرعی ملزم کند.

واژگان کلیدی: حجاب، حدود حجاب، آثار فردی حجاب، آثار اجتماعی

حجاب، الزام حجاب، ستر.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۸/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۵
۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: saboo.tasnim@yahoo.com

۲. استادیار فقه و مبانی حقوق، عضو هیئت علمی واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Kr.setayesh@gmail.com

The Obligation of Hijab, an Individual Rule with Social Effects

Masoumeh Imani¹, Mohammad Kazem Rahman Setayesh²

Shariah rules are generally divided into individual and social rules. Therefore, in the case of Hijab, this question is arisen: Is the obligation rule of Hijab individual like the obligation of prayer and fast, or is it social like the obligation of Hajj, Khoms, and Zakat? The obligation of Hijab will be challenged from a new perspective by answering that question. This study aimed to solve the challenges of this issue through analyzing its pros and cons; thus, related sources including papers and books published during 1992-2018 were reviewed, and it was determined that there was no research that examined the subject of this study. According to the results, Hijab and its jurisprudential rule are an individual truth with undeniable social effects. As a result, assuming its social harms, the authority can oblige all members of society to observe Hijab as a secondary rule, based on both the rules of "Al-zarourah Taghadara Beghadreha" and "Al-zarourat Tabiha Al-mahzourat".

Keywords: Hijab, limits of Hijab, individual effects of Hijab, social effects of Hijab, obligation of Hijab, veil.

Paper Type: Research

Data Received: 2019/02/05 **Data Revised:** 2019/12/05 **Data Accepted:** 2020/01/05

1. Ph.D. Student in Jurisprudence and Principles of Law, Faculty of Law, Theology, and Political Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. Email: saboo.tasnim@yahoo.com

2. Assistant Professor of Jurisprudence and Principles of Law, Faculty Member of Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
Email: kr.setayesh@gmail.com

درباره وجوب پوشش زن در میان هیچ‌یک از مذاهب اسلامی تردیدی نیست. همه فقها و عالمان آشنا به نصوص دینی بر لزوم پوشیده بودن بدن از نگاه نامحرم اتفاق نظر دارند و چون این حکم در قرآن آمده است، ابدی و همیشگی است. امروزه حجاب برای زنان شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. این مسئله خطابش با زنان یعنی، نیمی از جمعیت جامعه است و چون این موضوع در تنظیم روابط زن و مرد نقش دارد به همه افراد جامعه مربوط می‌شود، اما همیشه سؤالاتی در این مورد مطرح است مانند اینکه آیا حجاب زنان مسئله‌ای شخصی است و حکم تکلیفی مربوط به آن در همین محدوده، مفهوم می‌یابد یا نه و آیا حکومت اسلامی حقی در اجبار افراد در رعایت حجاب دارد یا حجاب مسئله‌ای اجتماعی است که حکومت اسلامی باید با وضع قوانین از بی‌حجابی جلوگیری کند. بدیهی است که تبیین این مسئله و نتیجه آن می‌تواند مناقشه کنونی جامعه درباره الزامی بودن پوشش اسلامی یا اختیاری بودن آن را به سمت راهبردی علمی و مبنایی هدایت کند؛ زیرا مسئله دخالت حاکمیت در این امر مبتنی بر اجتماعی دانستن آن است و اگر فردی باشد، حکومت نمی‌تواند در این موضوع دخالت کند. این اثر مهم، ضرورت انجام پژوهش حاضر را به خوبی روشن می‌کند.

تبیین و تحلیل مسئله حجاب از سویی باید در حوزه فقه و مباحث فقهی صورت گیرد و از سوی دیگر باید به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی آن توجه شود. احکام دینی در کتب فقهی به سه دسته تقسیم می‌شوند: عبادات (که شامل طهارت، نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر است)؛ فقه (که به عقود و ایقاعات معینه و غیرمعینه اشاره دارد) و مسائل فردی و قوانین اجتماعی زندگی (مثل حدود، قصاص و...). (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۲/۱۲۲؛ مکارم شیرازی، بی‌تا) احکام دینی فقه به دو قسمت فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود و به جز قسمت عبادات که احکامی فردی است، بقیه بیشتر احکام اجتماعی می‌باشد (فیض، ۱۳۷۳). در تفاوت میان احکام فردی و اجتماعی در فقه باید گفت که حتی احکام فردی هم خالی از جنبه اجتماعی نیستند و نمی‌توان انکار کرد که احکام فردی تأثیر غیرمستقیم بر احکام اجتماعی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷)، اما در زندگی اجتماعی، قوانین،



مقررات و آداب خاصی وجود دارد که بسیاری از احکام فردی با آنها جنبه اجتماعی به خود می‌گیرند. برای مثال وجوب نماز با اینکه یک حکم فردی است، اما با عبارت «ان الصلوة تهمی عن الفحشاء و المنکر» بی‌تردید آثار اجتماعی قابل توجهی نیز به دنبال دارد که می‌تواند یکی از حکمت‌های تشریح آن باشد.

پژوهش حاضر مسئله حجاب را از نظر فردی یا اجتماعی بودن آن و با رویکرد توصیفی-انتقادی و تحلیلی بررسی می‌کند. تاکنون پژوهش‌های متعددی در حوزه حجاب انجام شده است. از جمله مقاله رابطه حجاب زن با سلامت روانی خانواده و جامعه گرامی و عزیز، (۱۳۹۶) که در آن عفاف و حجاب به یک معناست و وجوب حجاب زن مسلمان نشانه تکریم و احترام اسلام به زن مسلمان است. حال آنکه به نظر می‌رسد مقوله حجاب و عفاف دو مقوله مجزاست و باید جداگانه بررسی شوند. در این پژوهش جنبه‌های اجتماعی حجاب که وجهه مؤثرتر حجاب است در نظر گرفته نشده است. مقاله بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و شیوه‌های تربیتی آن (رهنا، ۱۳۹۴) فقط فواید فردی و اجتماعی حجاب را بیان کرده است و جایگاه حجاب در چارچوب دین و قوانین حاکمیتی را تبیین نکرده است. در مقاله بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران (فاضلیان، ۱۳۸۹) فقط ارتباط امنیت اجتماعی فرد با حجاب وی به صورت آماری بررسی شده و این نتیجه حاصل شده است که رابطه معناداری بین نوع حجاب زن و امنیت اجتماعی و تهدیدات وارده به آنها وجود دارد. در پژوهش حاضر مسئله حجاب از دو بعد فردی و اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی و احکام تکلیفی بررسی گردیده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. مسئله فردی و اجتماعی حجاب از نظر جامعه‌شناسی

در درون هر انسان دو نوع هستی وجود دارد که در یک نوع آن همه حالات نفسانی که به خود انسان و حوادث حیات شخصی او مربوط است، می‌باشد و آن وجودی است که می‌توان آن را هستی فردی نامید. نوع دیگر هستی منظومه‌ای از افکار، احساسات و عاداتی است که بیانگر گروه و یا گروه‌های مختلفی است که انسان عضو آنهاست. باورهای مذهبی

و اخلاقی، سنت‌ها و عقاید جمعی از این دسته است و مجموعه آنها هستی اجتماعی را تشکیل می‌دهد. (دورکیم، ۱۳۷۶) جرج هربرت مید «خود» را به «من فردی» و «من اجتماعی» تقسیم می‌کند. من اجتماعی، انعکاس و بروز هنجارها و ارزش‌های جامعه در فرد است، اما من فردی معرف جنبه شخصی و منحصر به فرد شخص است. من فردی تحت تأثیر محرک‌های آنی، سرکش و غیرعادی است. برای مثال شخصی که مرتکب قتل می‌شود با توجه به من فردی خود رفتار کرده است. چنین فردی ممنوعیت اجتماعی قتل و ارزشی که جامعه برای حیات فرد در نظر دارد را نادیده می‌گیرد (توسلی، ۱۳۸۰). برخی از جامعه‌شناسان مدرن می‌گویند که مسائل اجتماعی نوع خاصی از تعارض میان نفع جمعی و نفع فردی است که بهترین گزینه آن برای هر شخص انتخاب نفع فردی است. اگر بسیاری از افراد نفع فردی را انتخاب کنند، وضعیتی ایجاد می‌شود که برای همه افراد بدتر از حالتی است که با انتخاب گزینه همیارانه یا نفع جمعی برایشان اتفاق می‌افتد (گورویچ، ۱۳۵۱)؛ یعنی، به نفع هر فرد است که در تعارض بین نفع شخصی و اجتماعی خود، منافع اجتماعی را ترجیح دهد. مسائلی مانند انتخاب نوع خوراک، نوع تفریح، نوع شغل، نوع دوست‌یابی، نوع سخن‌گفتن و نوع عقیده یا مذهب از نوع منافع شخصی فرد است که در آنها فرد به دنبال گذران امور زندگی فردی است، اما وقتی فرد خود را در اجتماع در نظر می‌گیرد، برای نوع رانندگی، مصرف الکل، امور سیاسی و... با مسائل اجتماعی روبه‌رو می‌شود. عقلانیت کلان‌نگر و عدالت‌محور در برخورد مسائل فردی با مسائل اجتماعی اگر به حقوق دیگران تعرض شود یا موجب سلب امنیت دیگران شود با انگیزه‌هایی مانند حفظ امنیت و منافع ملی و حکومتی، حفظ حوزه اخلاق اجتماعی، حفظ حقوق کار و حفظ بهداشت عمومی با تکیه بر برخی مستندات مانند تقدیم اهم بر مهم (صدر، ۱۳۸۲)، جلوگیری از اختلال نظام و حفظ دین از طریق سازوکارهای جدی، حدود و ثغوری را برای مسائل فردی تعیین کرده است. حدودی مانند حکم شراب‌خواری و زنا اگر مستتر باشد مجازات ندارد، ولی اگر علنی باشد مجازات دارد. ملاک فردی و اجتماعی بودن، ذاتی نیست و بحثی که فردی است، می‌تواند جنبه اجتماعی هم پیدا کند.

۲-۲. حجاب از منظر فقه اسلامی

آیه ۳۱ سوره نور مهمترین مستند فقها برای اثبات وجوب پوشش و مشتمل بر حدود آن است. مباحث حجاب در احادیث، بیشتر در حکم تفسیر و تبیین این آیه و به ویژه عبارت «إِلَّا مَا ظَهَرَ؛ زینت‌های آشکار» و حکم نگاه کردن به آنهاست. (بیهقی، بی تا؛ سیوطی، ۱۴۲۱ هـ.ق؛ حرعاملی، ۱۴۰۴ هـ.ق) آیه ۳۳ سوره احزاب درباره نهی از تبرج و آیه جلاباب (شبیبری زنجانی، ۱۳۷۷؛ فاضل، ۱۴۱۹ هـ.ق) نیز به موضوع حجاب اشاره می‌کنند. احادیث مختلفی مانند پوشش زنان سالخورده، آغاز وجوب حجاب پس از بلوغ یا چگونگی حجاب در برابر اقسام خاصی از مردان یا کودکان نابالغ نیز به مسئله حجاب اشاره دارند (بیهقی، بی تا، ۲۲۶/۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۲۵/۲). در متون فقهی، حجاب با عبارت ستر آمده است (جوهری، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ ابن منظور، ۱۴۱۰ هـ.ق؛ زبیدی، ۱۴۱۴ هـ.ق). برخی از فقها می‌گویند: «الحجاب ما حَجَبَ بِهِ شَيْءٌ عَنِ شَيْءٍ؛ حجاب آن چیزی است که به واسطه آن چیزی از چیزی مانع قرار گیرد» (فراهیدی، ۱۴۰۰ هـ.ق). براساس این تعریف، روشن است که نباید در تعریف چیزی از خود آن یا مشتقات آن استفاده کرد تا مصادره به مطلوب رخ ندهد. در پژوهش حاضر برای روشن شدن معنای حجاب از فعل آن یعنی، حجب استفاده شده است. بنابراین، بهتر است که گفته شود: «الحجاب کُلُّ مَا حَالَ بَيْنَ شَيْئَيْنِ؛ هر آنچه میان دو چیز حائل شود، حجاب است» (طریحی، ۱۳۷۵).

موضوع حجاب در منابع فقهی به صورت مستقل مطرح نشده بلکه در دو بحث آمده است: یکی در مبحث لباس نمازگزار و پوشش در حالت غیر نماز که پوشش در حالت نماز یا ستر صلاتی با پوشش در غیر حالت نماز فرق دارد. پوشش در حالت ستر صلاتی در هر حال واجب است. پوشش غیر از حالت نماز، مقصود پوشیده بودن از نگاه دیگران است حتی اگر در تاریکی باشد. دوم، پوشش در بحث نکاح است که درباره حکم نگاه کردن طرفین عقد هنگام خواستگاری و احکام نگاه کردن و احکام ستر صحبت کرده است.

۲-۳. فلسفه حجاب برای بانوان در اسلام

حکمت تشریح حکم حجاب به تصریح آیات قرآن (رک. ۱۰، احزاب: ۳۳، ۵۳، ۵۹، نور: ۶۰) و احادیث ایجاد امنیت روانی، حفظ سلامت اخلاقی جامعه و ارزش گذاری عفاف و حیاست که براساس آن گوناگونی مراتب احکام حجاب به خوبی قابل تحلیل است. تأکید قرآن، احادیث و متون

فقهی بر اکتساب و تقویت عفت و تقوا، ضرورت رعایت حیا و عفاف در مناسبات زن و مرد غیرمحرّم و حرمت برخی امور مانند قرارگرفتن زن و مرد غیرمحرّم در یک محیط بدون امکان ورود شخص دیگر، نهی شدید از چشم‌چرانی مردان، وجوب ستر برای زن در برابر غیرمحرّم، و پرهیز او از هرگونه رفتار تحریک‌آمیز در محیط جامعه مانند تبرج یا سخن گفتن مهیج، بیانگر ارتباط وثیق عفاف و حیا با حجاب است (ر.ک.، احزاب: ۳۳-۳۲؛ نور: ۳۱-۳۰). (حکیم، ۱۴۰۶ هـ.ق؛ مجلسی، ۱۳۱۵؛ طباطبایی بزدی، ۱۳۲۹؛ زحیلی، ۱۴۱۸ هـ.ق)

فلسفه پوشش برای بانوان چند محور مشخص دارد که عبارتند از: محور خانوادگی، روان‌شناختی و اجتماعی. در محور روان‌شناختی، یکی از آثار مهم حجاب زنان، حفظ آرامش روانی جامعه و پاکی دلهاست. خداوند در قرآن حجاب را عامل طهارت قلب و روح معرفی می‌کند (ر.ک.، احزاب: ۵۳). در محور خانوادگی باید گفت که حجاب سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌شود. حجاب و پوشش مورد نظر اسلام که در حقیقت مبین مرزبندی میان محرّم و نامحرّم است، اگر در جامعه رعایت شود در بسیاری از موارد از اختلاط نامشروع میان جنس مخالف جلوگیری می‌کند و مانع بسیاری از ناهنجاری‌های جنسی و اخلاقی می‌شود. در نتیجه روابط زن و شوهر که ارکان اصلی و اولیه تشکیل خانواده است، آرامش و سکون، امنیت خاطر پایدار و در نهایت اعتماد متقابل ایجاد می‌شود. حفظ مرز میان محرّم و نامحرّم با تحقق سایر شرایط فردی و اجتماعی باعث افزایش ازدواج و کاهش آمار طلاق می‌گردد. به همین دلیل است که قرآن ازدواج را مایه سکون و آرامش می‌داند (ر.ک.، روم: ۲۱). امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه به امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

زنان را در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند؛ زیرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنهاست. بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیرصالح را میانشان آوری و اگر بتوانی به‌گونه‌ای زندگی کنی که غیر تو را نشناسد، چنین کن. (دستی، ۱۳۸۱)

اگرچه شکل بیان امام علی علیه السلام توصیه‌ای است و حکم الزامی ندارد، ولی اهداف و آثار حجاب را تا حد زیادی روشن می‌کند. یکی از عوامل مهم استحکام نهاد خانواده، رعایت حجاب است. اگر حجاب در جامعه به‌طور کامل رعایت شود و روابط جنسی به محیط



خانواده محدود گردد، جوانان تمایل بیشتری به ازدواج پیدا می‌کنند و خانواده‌های تشکیل شده نیز ثبات بیشتری دارند. اگر خودنمایی، آرایش و تحریک در اجتماع رواج یابد و روابط جنسی در غیر محیط خانواده میسر شود، هیچ وقت جوانان مشکلات ازدواج را نمی‌پذیرند و به آن تن نمی‌دهند و خانواده‌های تشکیل شده نیز متزلزل می‌شوند؛ زیرا مردان با دیدن زنان بی حجاب تحریک می‌شوند و در نتیجه کانون گرم خانوادگی سرد می‌شود و محبت در خانواده جای خود را به تنفر می‌دهد؛ زیرا همسر قانونی، رقیب و مانع روابط جدید جنسی به حساب می‌آید. نهاد خانواده تنها با پاسداری از حجاب اسلامی درخشش و بالندگی لازم را پیدا می‌کند.

در محور اجتماعی، حجاب موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماعی می‌شود. اسلام می‌خواهد انواع لذت‌های جنسی فقط در محیط خانوادگی و با ازدواج قانونی به دست آید و اجتماع برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد، اسلام می‌خواهد این دو محیط را به طور کامل از یکدیگر جدا کند. (مطهری، ۱۳۸۲)

یکی دیگر از دلایل لزوم پوشش کامل زنان ویژگی‌های آنهاست؛ زیرا زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفتگی است. به همین دلیل به زن سفارش شده است که خود را در معرض نمایش قرار ندهد. با اینکه به پوشش مردان کمتر از زنان سفارش شده است، ولی مردان در عمل پوشیده‌تر از زنان هستند؛ زیرا تمایل مرد به نگاه کردن و چشم‌چرانی است نه به خودنمایی، و تمایل زن بیشتر به خودنمایی است نه به چشم‌چرانی. شهید مطهری (۱۳۸۲) می‌فرماید: «تمایل مرد به چشم‌چرانی، بیشتر زن را تحریک به خودنمایی می‌کند و به همین دلیل تبرج (بزک نمودن) از مختصات زنان است.»

پوشیده بودن زن در حدودی که اسلام تعیین کرده است موجب کرامت و احترام بیشتر اوست؛ زیرا او را از تعرض افراد جلف و فاقد اخلاق حفظ می‌کند. حفظ حجاب، پوشیدگی و عفت زن از نشانه‌های کرامت اوست و برهنگی و بی‌عفتی موجب دورشدن از کرامت انسانی است. قرآن کریم به طور مکرر به حفظ حجاب و پوشش زنان توجه کرده است. (رک. احزاب: ۵۹؛ تحریم: ۱۲) یکی از کمالات حضرت مریم علیها السلام پاک دامنی ایشان است؛ قرآن کریم حضرت



مریم علیها السلام را الگویی پاک دامنی مردان و زنان معرفی کرده است. با توجه به این دو آیه مشخص می‌شود که ارزش زن، پاک دامنی اوست و یکی از راه‌های حفظ این پاک دامنی، پوشش و حجاب است.

۲-۴. ادله قائلین به فردی بودن حکم حجاب

۲-۴-۱. حجاب جزء احکام عبادی است

برخی معتقدند که شروع و انجام حجاب از طرف شخص است، پس باید آن را رعایت کند. در همان حال ممکن است که در آن تقصیر داشته باشد و یا مزایایی برای او داشته باشد. بنابراین، جنبه فردی دارد. این دسته از نظریه پردازان معتقدند که چون حجاب از احکام تکلیفی و فردی است، پس یک تکلیف شخصی محض است نه یک مسئله اجتماعی، و حکومت دینی حق الزام در این گونه اعمال و فرایض را ندارد؛ زیرا اعمال عبادی به قصد قربت وابسته است و چنین قصدی باید از روی اعتقاد قلبی صادر شود و حجاب از احکام تکلیفی غیر قابل الزام است. در عبادات مختلف مانند نماز، روزه و حج که قصد قربت شرط است زور، اجبار و تعزیر ارزشی ندارد. عقاید دینی و احکام الهی متوقف بر باور است که امری قلبی است و امور قلبی قابل تصرف نیست و با منع، اکراه و اجبار حاصل نمی‌شود و قابل تخصیص و تقیید نیست. (ایازی، ۱۳۹۷) بنابراین، حکومت دینی نمی‌تواند با اجبار و زور افراد را ملزم به انجام تکالیف الهی مانند حجاب کند به ویژه درباره احکام عبادی و تکالیف فردی که مربوط به رابطه خدا و فرد است و باید همراه با قصد قربت باشد؛ زیرا قصد قربت، عملی قلبی است و الزام در آن معنا ندارد.

در نقد و بررسی ادله فوق باید گفت که اول اینکه حجاب امری عبادی است، پس فردی است نه اجتماعی؛ دوم اینکه حجاب چون عبادی است نیاز به قصد قربت دارد، پس نمی‌توان کسی را به آن الزام کرد و این همان فردی بودن مسئله را می‌رساند نه اجتماعی بودن آن را. در نقد بیان اول باید گفت که حجاب امری تعبدی نیست؛ زیرا تنها برخی اعمال که در آنها عمل پرستش باشد، عنوان تعبدی می‌گیرد و حجاب جزء این گونه اعمال نیست بلکه واجب توصلی است. اگر حجاب جزء اعمال تعبدی باشد باید این مسئله که آیا هر عملی که قصد قربت در آن شرط است فردی است، و یا اینکه ملازمه‌ای بین این دو نیست،





حل شود. با مراجعه به ابواب مختلف فقه مشخص می‌شود که برخی عبادات مانند خمس و زکات هم جنبه فردی دارند و هم اجتماعی و چه بسا جنبه اجتماعی این اعمال بر جنبه فردی آن غلبه دارد و حتی برخی عبادات مانند نماز و حج که عباداتی فردی هستند نیز با مسائل اجتماعی، سیاسی و امور دنیایی پیوند دارند. امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید: «در نماز و حج نیز جهات اجتماعی و سیاسی مربوط به زندگی و معیشت دنیوی وجود دارد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۲/۶۱۷). بنابراین، رابطه تساوی بین عمل تقریبی و فردی برقرار نیست و اینها لازم و ملزوم هم نیستند و می‌توان رابطه عموم و خصوص من وجه را تصور کرد.

نقد و بررسی: در نقد مطلب دوم باید گفت که عبادی بودن حجاب را نباید امری مسلم شمرد؛ زیرا هرچند عملی واجب است، در مورد اشتراط قصد قربت این است که در آن تردید وجود دارد و آن را عبادت به معنای اعم می‌توان تلقی کرد. دوم اینکه با وجود عبادی بودن حجاب، ملازمه آن با عدم الزام قابل تشکیک است؛ زیرا عباداتی مانند خمس و زکات با اینکه عبادت به معنای اخص است و قصد قربت شرط صحت آنهاست، با الزام و اجبار حکومتی قابل جمع می‌باشد چنان‌که در صدر اسلام توسط عاملان و کارگزاران حکومت جبايت می‌شدند. قصد قربت چه در اعمال تعبدی و چه در اعمال توصلی نمی‌تواند مانع تعلق الزام حکومتی به آن اعمال شود. لزوم قصد قربت در اعمال تعبدی به دلیل وجود امر الهی است (مظفر، ۱۳۸۳؛ سبزواری، ۱۳۷۵)، اما این بدان معنا نیست که افراد در انجام قوانین عرفی و عقلی یا واجبات توصلی نمی‌توانند قصد قربت کنند. به عبارت دیگر، واجبات توصلی مشروط به قصد قربت نیستند (عراقی، ۱۴۱۳ هـ.ق؛ مشکینی، ۱۳۷۱)، اما قصد قربت کردن در آنها امری ممکن و مقرب است؛ زیرا هر عملی که به قصد تقرب و نزدیک شدن به خداوند انجام شود، عملی تقریبی محسوب می‌شود.

۲-۴-۲. دلالت برخی آیات قرآن به فردی بودن حجاب

بعضی از قائلین به فردی بودن حجاب، شخصی بودن حجاب را به قرآن مستند می‌کنند و با توجه به برداشت جدیدی که از برخی آیات قرآن ارائه می‌دهند، حجاب را حق اجتماعی نمی‌دانند. (امین، ۱۳۶۱؛ صدر، ۱۳۸۲؛ شحرور، ۱۹۹۹ م.). محمد شحرور، قرآن پژوه معاصر، با ادعای نواندیشی در قرآن دیدگاه‌های متفاوتی در برابر حجاب دارد. ایشان با بررسی مفهوم واژگان



حجاب، پس از ریشه‌یابی واژه جیوب می‌گوید: «جیوب در زن عبارت است از: دو سینه و زیر دو سینه، زیر بغل، شرمگاه و سرین. بنابراین، زن تنها همین نوع از جیوب را باید بپوشاند» (شحرور، ۱۹۹۹م. وی با استناد به آیه: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور: ۳۱) می‌گوید:

زن دوگونه زینت دارد؛ یکی زینت ظاهری و دیگری زینت باطنی. آنچه خداوند در خلقت زن آشکار کرد، زینت ظاهری است مانند سر، شکم، پشت، دست‌ها و پاها و پوشاندن آنها واجب نیست و آنچه خداوند در ساختار خلقت زن محقق کرده است، زینت باطنی است. (شحرور، ۱۹۹۹م.)

سپس در مقام جمع‌بندی می‌گوید: «حد ادنی در حجاب زن، پوشاندن جیوب پنهان است». از نگاه شحرور فقط پوشاندن قسمتی از جیوب که براساس معنای او مربوط به باطن ساختار وجود زن است، واجب است، سپس در معنای جیوب می‌گوید:

این مقدار از پوشش، هم حکم شخصی و هم حکم تربیتی است. این حکم شخصی برای تربیت زن و بازدارندگی او از رفتار منافی عفت صادر شده است و نه جز غیر آن و نه یک حکم خشن و نه حکمی در قلمروی قانون و قابل پیگرد. (شحرور، ۱۹۹۹م.)
نویسنده دیگری نیز برای اثبات شخصی بودن حجاب به استدلال قرآنی متفاوتی تمسک کرده است و می‌گوید:

در امر حجاب مطلقاً دین با دموکراسی سازگار است؛ زیرا خطاب حکم حجاب در قرآن با مؤمنان و مؤمنات است؛ یعنی رعایت حکم به ایمان افراد واگذار شده است که امر انتخابی و خواستنی است و هیچ مجازاتی برای زنان غیر عامل به حجاب تعیین نشده است و صرفاً گناهی است که فقط توسط خداوند قابل بازخواست است. (مرضوی، ۱۳۸۷، به نقل از ملک افضلی اردکانی و فلاح، ۱۳۹۴)

نقد و بررسی: در نقد نظریات شحرور باید گفت که وی می‌گوید که زینت دو نوع است، اما زینت در آیه مورد نظر فقط زینت مکانی که جسم زن باشد، است. بنابراین، زیورآلات و آرایش مورد نهی قرآن نیست. برای بررسی این مطلب باید منظور از زینت و مورد آیه مشخص شود. ابن منظور در یک بیان کلی زینت را اسم جامعی می‌داند که شامل هر آنچه زینت‌دهنده باشد، است. (ابن منظور، ۱۴۱۰هـ.ق، ۱۳/۱۲۱) صاحب مجمع البحرین زینت را منحصر در آنچه انسان خود را با آن می‌آراید، می‌داند (طریحی، ۱۳۷۵، ۶/۲۶۲). راغب در یک بررسی کامل زینت را شامل سه قسم، زینت نفسانی (مانند علم و اعتقادات نیکو)، زینت بدنی (مانند





توان جسمانی و زیبایی اندام) و زینت خارجی (مانند مال و...) می‌داند (راغب، ۱۴۱۲ ه.ق). بنابراین، معنای لغوی زینت بسیار گسترده‌تر از معنای زیور فارسی است. در این آیه که زنان را از آشکار کردن زینت خود برای دیگران بازمی‌دارد، دو مورد استثنا شده است: یکی جمله «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» و دیگری «إِلَّا لِبَعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ...». در استثنای اول هر چیزی از زینت را که خود به خود آشکار است از حکم حرمت آشکارسازی زینت جدا می‌کند. بنابراین، آیه به دو نوع زینت زن اشاره دارد: یک دسته که خود به خود نمایان است و دسته دیگر که پنهان است مگر اینکه شخص به قصد بخواهد آنها را آشکار کند و آیه آنها را از آن بازداشته است. همچنین واژه جیب در مورد انسان به معنای مطلق شکاف نیست تا منظور از آیه قسمت‌های باطنی بدن زن باشد چنان‌که شحورور می‌پندارد، بلکه هرگاه در مورد انسان به کار رفته است به معنای شکاف پیراهن یا زره اوست. در لسان‌العرب آمده است: «الحیب جیب القميص والدرع والجمع الحیوب فی تنزیل العزیز ولِیَضْرِبَنَّ مِخْمَرِهِنَّ عَلَى جُیُوبِهِنَّ» (ابن منظور، ۱۴۱۰ ه.ق). تنها یک مورد درباره خود انسان به کار رفته است و آن هم به معنای قلب و سینه اوست: «فلان ناصح الحیب یعنی بذلک قلبه ای صدره» (ابن منظور، ۱۴۱۰ ه.ق).

در نقدی دیگر باید گفت که جست‌وجو و تتبع در آیات اجتماعی قرآن به روشنی نشان می‌دهد که بیشترین آیات اجتماعی قرآن خطاب به مؤمنان است. (رک، بقره: ۱۷۸) آیا حکم قصاص که مخاطب آن اهل ایمان هستند از احکام اجتماعی اسلام نیست؟ مسئله این است که نباید فردی بودن امری را معادل فردی بودن حکم آن دانست و یا اجتماعی بودن امری را معادل اجتماعی بودن حکم آن دانست. برای مثال، انفاق امری اجتماعی است، اما حکم و امر قرآن به آن فردی است؛ یعنی شخص می‌تواند انفاق کند و می‌تواند نکند و حکومت حق الزام ندارد. در این صورت می‌توان گفت که حجاب یک مسئله اجتماعی است، اما حکم و جوب آن فردی است؛ یعنی رعایت حجاب جامعه را منزه می‌کند و از مسائل منفی عفت پیشگیری می‌کند، اما حکم و جوب آن فردی است یا نماز که آثار اجتماعی دارد، اما حکومت، حق الزام به آن را ندارد و حتی مؤمنان را هم نمی‌تواند به برگزاری نماز جماعت مجبور کند هرچند به آن امر شده است. ترویج بی‌حجابی و تبلیغ آن امری اجتماعی است و حکم حرمت آن هم اجتماعی است و این غیر از حکم خود حجاب



است. بنابراین، اینکه خطاب به مؤمنان است به معنای شخصی بودن تکلیف نیست. با اینکه تقوا امری شخصی است در برخی موارد عامه، مردم مؤمن و غیر مؤمن مأمور به تقوا شده‌اند (ر.ک. نساء: ۱). گاهی همه مردم با تعبیر «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» برای سود بردن از طبیعت، مخاطب قرار می‌گیرند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا؛ ای مردم از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که از زمین می‌روید، بهره‌مند شوید» (بقره: ۱۶۸). گاهی هم برای این سود جستن با جمله «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» مخاطب قرار می‌گیرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از پاکیزه‌ترین چیزهایی که به شما روزی دادیم، بهره‌مند شوید» (بقره: ۱۷۲). دولت اسلامی می‌تواند رباخواران، حرام‌خواران و کسانی را که از راه حرام کسب درآمد می‌کنند، متخلفان از دستور پیامبر ﷺ و فرمان‌های حکومتی و نیز متخلفان از فرمان جهاد را مجازات کند، پس میان مخاطب قرار دادن مؤمنان و اختیاری بودن تکالیفی که برعهده ایشان نهاده می‌شود هیچ تلازمی نیست.

۲-۴-۳. نبود مجازات برای عدم رعایت حجاب در صدر اسلام

قائلین به نظریه فردگرایی حکم حجاب می‌گویند که در مورد حجاب نه تنها شواهدی مبنی بر اجتماعی بودن حکم وجود ندارد بلکه در تاریخ شیعه نیز موردی نیست که زنی به دلیل رعایت نکردن حجاب، توسط حکومت اسلامی مجازات شده باشد. هرچا امری مجازاتی داشته است جزء جزء آن در کتب روایی آمده است، اما در مورد حجاب نه تنها روایتی بیان نشده است بلکه احادیث زیادی وجود دارد که الزام زنان به رعایت حجاب و تقصیر آنها در ترک حجاب را به گردن شوهرانشان می‌گذارد نه حکومت. حتی مجازات بی‌حجابی به عنوان تعزیر هم سابقه ندارد. احکام مربوط به حجاب هم مثل نماز و روزه و نه مثل احکام حکومتی فاقد ضمانت اجرای اجتماعی است. (صدر، ۱۳۸۲)

در هیچ یک از متون تاریخی، برخوردی از ناحیه حکومت اسلامی و یا از امام معصوم علیه السلام در این مورد گزارش نشده است. بنابراین، حکمی خصوصی است که حکومت حق دخالت در آن را ندارد. (ایازی، ۱۳۹۷؛ مفتاح، ۱۳۸۷) این موضوع دو مسئله را لازم و ملزوم یکدیگر می‌داند که نبود مجازات ترک حجاب در صدر اسلام و اجتماعی بودن یک چیز است؛ یعنی هرگاه امری فردی شد تارک آن مجازات نمی‌شود.



نقد و بررسی: در پاسخ به بیانی که مطرح شد می توان گفت اول آنکه گزارش تاریخی یا عدم آن جزء منابع استنادی فقهی نیست؛ زیرا فقیه پس از دستیابی به ادله لفظیه قانع کننده، هیچگاه در انتظار سندی تاریخی در مورد اجرای حکم نیست، مگر بنا بر این بوده باشد که تمام فعالیت های اجتماعی به کل اسناد تاریخی منتقل شوند؟! (زیبایی نژاد، ۱۳۸۷) اگر ادعا شود این مسئله به عنوان سیره متشرعه که یکی از منابع اصیل فقهی است، مطرح است باید گفت که در زمان پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام چنین رویه ای نبوده است. بنابراین، استنباط می شود که حجاب امری اجتماعی نیست و حکومت حق دخالت ندارد. در جواب باید گفت که اول اینکه سیره از دلایل لبی است که باید به قدر متیقن آن عمل کرد و از اطلاق آن به ادله لفظیه نمی توان بهره گرفت. با این وصف اگر پذیرفته شود که در صدر اسلام با پدیده بی حجابی برخورد الزام آور یا بازدارنده نمی شده است تنها نتیجه آن، عدم لزوم مداخله حکومت است نه عدم جواز آن. دوم اینکه اگر گزارش های تاریخی نمایانگر تسامح معصوم ﷺ در برابر اجرای حکم می بود، می توانست قرینه ای در کنار قرائن دیگر باشد که چنین چیزی هم ثابت نیست بلکه با ادله روایی قابل نقض است. سوم آنکه آنچه در مقام واقع دیده می شود، گزارش های تاریخی حاکی از حساسیت های معصومان علیهم السلام و جامعه اسلامی به این پدیده است. پیامبر اکرم ﷺ در فرمانی خطاب به عمرو بن حزم، والی نجران، می فرماید: «این بیانی است از سوی خدا و رسول او و مردم را از اینکه لباس کوچکی بپوشند که عورتشان آشکار شود، بازدارد و از اینکه کسی موهایش را پشت سرش انباشته کند، نهی کند» (الحمیری، بی تا، ۱۰۱۵/۴؛ میانجی، ۱۴۰۰ه.ق، ۲/۵۲۷).

۲-۴-۴. حفظ آزادی زنان در گرو پذیرش نظریه فردی بودن حجاب است

معتقدین به نظریه فردی گرایی حجاب می گویند که احترام به حیثیت و شرف انسانی یکی از مواد اعلامیه حقوق بشر است. هر انسانی چه مرد باشد یا زن، سفید باشد یا سیاه و تابع هر کشور یا مذهبی باشد، شریف و آزاد است. (اعلامیه حقوق بشر...، ۱۹۴۸) قبول نظریه اجتماعی بودن حجاب، بی اعتنایی به حق آزادی او و اهانت به حیثیت انسانی او و ظلم فاحش است به زن. عزت و کرامت انسانی، حق آزادی زن و حکم عقل و شرع به اینکه هیچ کس بدون علت نباید اسیر و زندانی شود و ظلم به هیچ شکلی نباید واقع شود، ایجاب می کند که حکم

به فردی بودن حجاب صادر شود.

نقد و بررسی: حجاب در اسلام وظیفه‌ای است که برعهده زن نهاده شده است و در معاشرت و برخورد با مرد نامحرم باید کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن رعایت کند. این وظیفه از ناحیه مرد بر او تحمیل نشده است و چیزی نیست که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است، نیست. رعایت برخی مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید می‌کند که در معاشرت‌های اجتماعی روش خاصی داشته باشند، اما این به معنای زندانی کردن یا بردگی نیست و نمی‌توان آن را منافی حیثیت انسانی و اصل آزادی فرد دانست. (جعفریان، ۱۴۲۸هـ.ق)

۲-۵. ادله قائلین به اجتماعی بودن حکم حجاب

۲-۵-۱. دلالت برخی از آیات قرآن و روایات به اجتماعی بودن حکم حجاب

به عقیده صاحبان این نظریه جای انکار نیست که پیامبر گرامی اسلام ﷺ و برخی از امامان معصوم علیهم‌السلام در این زمینه و حتی گاه در مورد وضعیت آقایان، رهنمودها، برخوردها و تویخ‌هایی داشته‌اند. آیه «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» نشان می‌دهد که بخشی از این آیه ارتباط بین مردان و زنان در جامعه را بررسی می‌کند و به تأثیر نگاه نامحرم از روی ریب و شهوت به یکدیگر در قلوب آنها اشاره دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۱۶/۳۳۷؛ طبرسی، ۱۴۰۸هـ.ق، ۵۷۸/۸؛ قرائتی، ۱۳۸۳/۹/۳۹۱). در روایت مرسله آمده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به حولاء [که زنی عطر فروش بود] فرمود: «حولاء! زینتت را برای غیرشوهرت آشکار مساز. برای هیچ زنی حلال نیست مچ و پایش را برای غیرهمسرش آشکار نماید و اگر چنین کرد، پیوسته مشمول لعنت و خشم و غضب الهی است و فرشتگان الهی او را لعنت می‌کنند و خداوند برای وی عذابی دردناک فراهم کرده است». (نوری، ۱۴۰۸هـ.ق، ۱۴/۲۴۱) در روایت صحیح حلی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است: «درست نیست زن مسلمان روسری و پیراهنی را در کوچه‌ها به تن کند که بدنش را نپوشاند» (حرعاملی، ۱۴۰۴هـ.ق، ۳۸۸/۴). به عقیده این نظریه پردازان این روایات و مستندات قرآنی به خوبی نشان می‌دهد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام مسئله حجاب را به عنوان یک اصل اجتماعی بسیار مهم می‌دانستند.



نقد و بررسی: در بررسی این دلیل باید گفت که تمرکز آیه و روایات مورد استناد بر این است که زن مسلمان باید خود را از معرض نگاه نامحرم حفظ کند و در حقیقت درصد است تا از به وجود آمدن زمینه ارتکاب حرام جلوگیری کند، پس پیش از اینکه ناظر به مسئله حجاب باشد، نهی از عملی است که موجبات گناه را فراهم می‌کند. درست مانند بسیاری دیگر از احکام فردی و اجتماعی اسلام که عمل به آنها می‌تواند زمینه گناه و فساد را از بین ببرد و می‌توان گفت که حرمت دروغ، غیبت، کینه‌ورزی، حسادت و بسیاری از احکام و مسائل اخلاقی و فقهی از این نوع است. در تبیین آیه ۵۳ سوره احزاب چند مورد را می‌توان مطرح کرد:

- خطاب‌هایی که در این آیه درباره زنان پیامبر ﷺ آمده است در حقیقت مربوط به همه زنان مسلمان است؛ زیرا در «أَطَهْرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ» خداوند برای هر زن و مردی، پاکدلی را می‌خواهد.

- نگاه نامحرم به یکدیگر در دل آنان تأثیرگذار است؛ زیرا می‌فرماید: «...وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطَهْرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ...»؛ و هرگاه از همسران پیامبر ﷺ چیزی خواستید از پشت پرده بخواهید. این رفتار برای دل‌های شما و دل‌های آنها پاکیزه‌تر است» (احزاب: ۵۳). با بیان جمله بعد از آیه و توجه به خطاب جمع و به هر دو طرف در آیه یعنی، ذکر جوانب مختلف مرتبط با حکم، اجتماعی بودن استفاده می‌شود به‌ویژه با اطهر بودن.

- در مورد روایت مرسله، حولا مورد خطاب، نهی از ابداء زینت به غیر است، پس می‌توان نگاه را از سطح یک عمل فردی به امری که مربوط به دیگران هم هست، دانست.

- در روایت امام صادق ع با مراجعه به وسائل الشیعه اصل روایت به این صورت است: «لا یصلح للمرأة المسلمة أن تلبس من الخمر والدروع ما لا یواری شیئا؛ سزاوار نیست برای زن مسلمان که روسری‌ها و روپوش‌هایی بپوشد که بدن او را پوشش نمی‌دهد». (کلینی، ۱۳۸۸/۲، ۵۴۷۵؛ طوسی، ۱۳۶۵، ۲/۲۱۹؛ طوسی، ۱۳۶۳)

در وسائل الشیعه زنان از پوشیدن لباس رقیق و نازک نهی شده‌اند و مردان نیز از اینکه چنین اجازة‌ای به زنان بدهند نهی شده‌اند. ایشان می‌گوید: «أقول: و تقدم فی آداب الحمام أحادیث كثيرة تتضمن النهی عن لبس المرأة الثياب الرقاق و نهی الرجل عن الاذن لها فی ذلك». به

نظرمی‌رسد این قسمت در ترجمه اشتباه شده است و مترجم رفاق که به معنای نازک است را به جای زقاق که به معنای کوچه است، گرفته است. با توجه با این خطا مشخص نیست که این نهی در مورد چه فضا و مکانی هست.

۲-۵-۲. حکومتی بودن حکم حجاب

طرفداران این نظریه معتقدند که حکم حجاب از احکام اجتماعی است؛ زیرا پیوند وثیق و ارتباط مستقیم با جامعه و نظام حاکم بر جامعه اسلامی دارد هر چند نافی وظیفه افراد در امر به معروف و نهی از منکر زبانی نیست. مهمترین دلیل الزام حجاب در حکومت اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است که در ضرورت و وجوب آن بحثی نیست و سه مرحله انکار قلبی، تذکر زبانی و استفاده از قدرت برای آن شمرده است که نشان می‌دهد در اسلام استفاده از اجبار در حکم شرعی جایز است، البته در صورت شرایط و حفظ حدود. نکته مهم این است که عموم فقها استفاده از قدرت را مختص حکومت می‌دانند (نجفی، ۱۳۷۷، ۲۱/۳۸۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲/۴۲۴) که این نکته نشان می‌دهد استفاده از قدرت در امر به معروف و نهی از منکر از وظایف حکومت است. از سوی دیگر موضوع امر به معروف و نهی از منکر عام است و تمام وظایف شرعی از جمله حجاب را شامل می‌شود. از مستندات معتقدان این نظریه روایاتی نیز ذکر شده است که یکی از آنها نامه پیامبر ﷺ به معاذ ابن جبل است آنگاه که وی را برای حکمرانی به یمن فرستاد:

من کل أمر خشیت أن يقع إليك منه عيب حتى يعذروك وأمت أمر الجاهلية إلا ما سنه الاسلام. وأظهر أمر الاسلام كله صغيرة و كبيرة و لیکن أكثرهمک الصلاة فإنها رأس الاسلام بعد الاقرار بالدين.

قبل از اینکه مردم جاهلانه به کارت عیب بگیرند مصلحت آن کار را برایشان بیان کن و رسوم جاهلیت را جز آنچه اسلام پذیرفته است، محو و نابود کن. تمام دستورات اسلام را چه کوچک و چه بزرگ اعلام کن و بیشتر تلاشت مصروف نماز شود؛ زیرا آن پس از اعتراف به دین مانند سر و رأس اسلام است. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۹۷)

روایت معروف دیگری نیز شیخ صدوق با سند خود از فضل ابن شاذان نقل می‌کند؛ وی از امام رضا علیه السلام از فلسفه حکومت و ضرورت وجود حاکم می‌پرسد و حضرت می‌فرماید: چون مردم در محدوده‌ای مشخص، محدود شده‌اند و فرمان یافته‌اند از آن

چارچوب نگذرند؛ زیرا موجب فساد و تباهی آنها می‌شود. این امر ثابت و شدنی نیست مگر اینکه شخصی امین بر آنها گمارده شود؛ شخصی که آنها را از تعدی و ورود در امور ممنوع بازدارد؛ زیرا در غیر این صورت هیچ کس لذت و سود خود را به خاطر تباهی دیگری رها نمی‌کند و به همین سبب خداوند حاکمی بر مردم قرار داد تا آنها را از فساد بازدارد و حدود و احکام را در میانشان اقامه کند. (شیخ صدوق، ۱۳۸۰)

این روایات و روایات متعدد دیگر اجرایی شدن احکام اسلام را از وظایف حاکم اسلامی می‌دانند که شامل حجاب نیز می‌شود. طرفداران این نظریه با استناد به این روایات یکی از وظایف حاکم اسلامی را جلوگیری از تعدی و تجاوز مردم به حقوق یکدیگر و ممانعت از ورود ایشان به کارهای حرام و مفسده‌انگیز می‌دانند و براساس این دلایل، حجاب را از سوی حکومت اسلامی یک اصل اجتماعی می‌دانند.

نقد و بررسی: با توجه به روایات طرفداران این نظر و نصوص مربوط به حجاب در قرآن کریم می‌توان استنباط کرد که دولت در حریم مربوط به حجاب، حق و وظیفه مداخله دارد. باید به این نکته نیز توجه کرد که در آیات حجاب که با خطاب قل یعنی، فعل امر نسبت به رسول خدا ﷺ شروع می‌شوند و به کار رفتن فعل امر و دستور به زنان مؤمن مبنی بر پوشاندن خود به کیفیت خاص مذکور در آیات، همگی دلالت بر وجوب پوشش و حجاب زن به صورت فردی و ضرورت اجرای حکم آن توسط حاکم اسلامی دارد.

۲-۵-۳. اجتماعی بودن حکم حجاب براساس غرض عقلایی

اول اینکه خداوند متعال در قرآن مجید به برخی حکمت‌های این واجب اشاره کرده است از جمله حفظ حرمت و احترام زن، کاهش خطا و خطر و مصونیت زن، (ر.ک.، احزاب: ۵۹) پرهیز از مفسده (ر.ک.، نور: ۶۰) و طهارت قلبی انسان‌ها (ر.ک.، احزاب: ۵۹)، اما بیان این حکمت‌ها به معنای این نیست که تمام فلسفه حجاب در این امور نهفته است بلکه قرآن به بخشی از این وجوه اشاره کرده است. دوم اینکه هر چند حفظ احترام، پرهیز از مفسده و یا طهارت قلبی امری شخصی است، ولی تعریف و لوازم آنها منحصر در حوزه شخصی نیست. برای مثال در مورد احترام، این مسئله در تعامل با سایرین شکل می‌گیرد. علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌فرماید: «پوشاندن همه بدن به شناخته شدن به اینکه اهل عفت، حجاب، صلاح و سدادند، نزدیک‌تر است. در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند دیگر اذیت نمی‌شوند؛ یعنی اهل فسق و

فجور متعرض آنها نمی‌شوند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۶/۳۴۰).

این تفسیر نشان می‌دهد احترامی که در این مسئله بیان شده است باید در اثر برخورد با افراد دیگر حاصل شود و کسی نمی‌تواند ادعا کند که به واسطه آزادی شخصی نمی‌خواهد از این احترام برخوردار باشد؛ زیرا این آزادی شخصی با حکم حجاب که یکی از حکمت‌های آن حفظ احترام است، مقید شده است. این نکته درباره طهارت قلبی نیز جریان دارد. جنبه شخصی بودن طهارت در اینجا نمود بیشتری دارد، اما برخی حکمت‌هایی که از این آیه استخراج شده است بیانگر جنبه اجتماعی بودن مسئله هم هست. آنچه در فلسفه حجاب از جنبه‌های مختلف بیان شده است از حکم عقل، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بیشتر به جنبه اجتماعی حجاب اشاره دارد تا جنبه فردی آن.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

بررسی آرای مختلف و ادله ارائه شده نشان می‌دهد که حکم و وجوب حجاب یک حکم فردی است؛ یعنی رعایت حدود پوشش شرعی بر هر زن مسلمان واجب است و تخطی از آن حرام و مستلزم عقوبت اخروی است؛ درست مانند نماز که هر فرد مسلمان مکلف، ملزم به اقامه آن است تا جایی که مبنای پذیرش و رد سایر اعمال واقع شده است. در مسئله وجوب حجاب، چون در بیشتر اوقات عدم رعایت حجاب تأثیر اجتماعی مستقیمی بر امنیت اخلاقی جامعه دارد و ممکن است موجب فساد اخلاقی در اجتماع و باعث زمینه‌سازی ارتکاب گناهان و اعمال حرام دیگر شود، حکومت اسلامی می‌تواند عمل به آن را اجباری کند و در صورت اصرار بر ارتکاب بی‌حجابی، برای مرتکب، مجازات تعزیری تعیین کند. بنابراین، باید گفت که هرچند با توجه به فردی بودن حکم حجاب، الزام آن ممنوع و محظور است، اما آثار اجتماعی مترتب بر آن و ضرورت حفظ امنیت اخلاقی جامعه که مسئولیت خطیر و عمده نظام اسلامی است این اختیار را به حکومت می‌دهد که تا حدی که اخلاق عمومی جامعه خدشه دار نشود از قوه قاهره و الزام استفاده کند و براساس قواعد باب ضرورت مانند الضرورات تبيح المحظورات و الضرورة تنقذ بقدرها در صورت برطرف شدن ضرورت و محظوریت، الزام و اجبار نیز منتفی می‌شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۱). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- * نهج البلاغه (۱۳۸۱). مترجم: دشتی، محمد. قم: انتشارات آل علی علیه السلام.
۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمدبن علی (۱۳۸۰). *علل الشرايع*. قم: حیدریه.
 ۲. ابن شعبه حرانی (۱۳۹۷). *تحف العقول*. قم: اسماعیلیان.
 ۳. ابن منظور، محمدبن مکرّم (۱۴۱۰ ه.ق). *لسان العرب*. بیروت: مؤسسه النشر العلمی للمطبوعات.
 ۴. *اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۱ و ۲* (۱۹۴۸ م). مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
 ۵. امین، سیده نصرت بیگم (۱۳۶۱). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. تهران: نهضت زنان مسلمان.
 ۶. ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۹۷). *نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
 ۷. بنی هاشمی خمینی، محمدحسن (۱۳۹۱). *توضیح المسائل مراجع*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۸. بیهقی، احمدبن حسین (بی تا). *السنن الکبری*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۹. توسلی، غلام عباس (۱۳۸۰). *نظریه های جامعه شناسی*. تهران: سمت.
 ۱۰. تی بی باتامور (۱۳۹۲). *نجیگان و جامعه*. مترجم: علیرضا طیب. تهران: پردیس دانش.
 ۱۱. جعفریان، رسول (۱۴۲۸ ه.ق). *رسائل حجابیه*. قم: دلیل ما.
 ۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ه.ق). *الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه*. بیروت: دارالعلم للملایین.
 ۱۳. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۴ ه.ق). *تفصیل الوسائل الشیعه الی مسایل الشریعه*. قم: مؤسسه آل البیت الاحیاء التراث.
 ۱۴. حکیم، محسن (۱۴۰۶ ه.ق). *مستمسک العروه الوثقی*. قم: چاپ افست.
 ۱۵. الحمیری، اسماعیل بن محمد (بی تا). *دیوان السید الحمیری*. بیروت: مؤسسه العلمی للمطبوعات.
 ۱۶. دورکیم، امیل (۱۳۷۶). *تربیت جامعه شناسی*. مترجم: محمدعلی، کاردان. تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه.ق). *مفردات الفاظ القرآن*. مصحح: داوودی، صفوان عدنان. بیروت: دارالقلم.
 ۱۸. رهنما، اکبر (۱۳۹۴). *بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه های تربیتی آن*. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۲۲ (۶)، ۳۷-۵۴.
 ۱۹. زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ ه.ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر.
 ۲۰. زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸ ه.ق). *تفسیر منیر*. سوریه: دارالفکر.
 ۲۱. زیبایی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۷). *نظام اسلامی و مسئله حجاب*. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
 ۲۲. سبحانی، جعفر (۱۳۸۱). *تهذیب الاصول*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
 ۲۳. سبزواری، سیدعبدالاعلی (بی تا). *تهذیب الاصول*. قم: مؤسسه المنار.
 ۲۴. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۴۲۱ ه.ق). *الدر المنثور فی تفسیر المائور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۲۵. شحرور، محمد (۱۹۹۹ م.). *الکتاب و القرآن قرائت معاصره*. دمشق: اهالی للتوزیع.
 ۲۶. صدر، شادی (۱۳۸۲). *آیا حکومت مسئول بی حجابی است؟ ماهنامه زنان*، شماره ۱۰۳.
 ۲۷. طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۳۲۹). *عروه الوثقی*. قم: مؤسسه العلمی للمطبوعات.
 ۲۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ه.ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه العلمی للمطبوعات.
 ۲۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ ه.ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
 ۳۰. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
 ۳۱. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۶۳). *استبصار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۳۲. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۳۳. عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۴ ه.ق). *مقالات اصول*. قم: چاپ محسن عراقی و منظر حکیم.
 ۳۴. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله (۱۴۱۹ ه.ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
 ۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۵ ه.ق). *کتاب العین*. قم: چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی.
 ۳۶. فیض، علیرضا (۱۳۷۳). *مبانی فقه و اصول*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۳۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۸. کالینیکوس، الکس (۲۰۰۴ ه.ق). مانیفیست ضد سرمایه‌داری. تهران: آزادمهر.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). الکافی. بیروت: چاپ علی اکبر غفاری.
۴۰. گرامی، شیرین و عزیز، مهناز (۱۳۹۶). رابطه حجاب زنان با سلامت روانی خانواده و جامعه. همایش وزارت علوم، تحقیقات فناوری. دانشگاه الزهراء (ع). تهران.
۴۱. گورویچ، ژرژ (۱۳۵۱). دیالکتیک یا سیر جدالی و جامعه‌شناسی. مترجم: حبیبی، حسن. بی‌جا: بی‌نا.
۴۲. مجلسی، محمد باقر (۱۳۱۵). بحار الانوار. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. مشکینی اردبیلی، علی (بی‌تا). اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها. قم: نشر الهادی.
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). مسئله حجاب. قم: انتشارات صدرا.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). مجموعه آثار. قم: انتشارات صدرا.
۴۶. مظفر، محمد رضا (۱۳۸۳). اصول الفقه. قم: انتشارات دارالفکر.
۴۷. مفتاح، محمد هادی (۱۳۸۷). وظیفه حکومت اسلامی در زمینه پوشش بانوان: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی. قم: پژوهشگاه و فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (بی‌تا). توضیح المسائل. تهران: پیام عدالت.
۵۰. ملک افضل اردکانی، محسن و فلاح، فاطمه (۱۳۹۴). تحلیل و نقد ادله فردی بودن حجاب. نشریه مطالعات اسلامی فقه و اصول، ۱۰۱ (۴۷)، ۱۸۳-۲۰۴.
۵۱. موسوی خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
۵۲. میانجی، محمد باقر (۱۴۰۰ ه.ق). بدایع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام. بیروت: مؤسسه الوفا.
۵۳. نجفی جواهری، محمد حسن (۱۳۷۷). جواهر الکلام. قم: جامعه مدرسین قم.
۵۴. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸ ه.ق). مستدرک الوسایل. قم: مؤسسه آل‌البتیة الاحیاء التراث العربی.